

به نام خدا

اصول حاکم بر اسناد تجاری

مقدمه:

اهمیت موضوع: توسعه روزافزون تجارت و مبادلات تجاری داخلی و بین‌المللی و ضرورت سرعت و سهولت در امر بازرگانی و نقشی که گردش سرمایه و حجم مبادلات تجاری در سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشورها دارد، دولتها را بر آن داشته است تا با تدوین ضوابط و مقررات خاصی، امنیت خاطر تاجر و بازرگان را در روابط تجاری فراهم نمایند. اسنادی چون سفته و چک و برات، با ویژگیها و کارکردهای خاص، علاوه بر تاثیر اجتناب‌ناپذیری که بر اقتصاد هر کشور دارد؛ امروزه از مهمترین ابزار تجارت نیز به شمار می‌رود. تاجری نیست که روزانه با این اسناد سر و کار نداشته باشد. از سوی دیگر، تاجر با به جریان انداختن سرمایه خود نیاز به امنیت خاطر و حمایت حقوقی همگام با دو اصل سرعت و سهولت دارد. امری که با استفاده از روشهای معمول در نظام حقوق مدنی قابل تامین نیست. از این رو، در نظامهای حقوقی داخلی و بین‌المللی، اصول خاصی بر معاملات برواتی حکومت می‌کند که معمولاً اسناد مدنی از چنین اصولی برخوردار نیست. لذا بخش عمده‌ای از مباحث راجع به اسناد تجاری، مربوط به اصول حاکم بر آنها است. با توجه به حجم زیاد دعاوی مربوط به اسناد تجاری، مطالعه این اصول برای جامعه حقوقی کشور امری اجتناب‌ناپذیر است.

منظور از سند تجاری: هر چند در مفهوم عام و وسیع، هر سند یا نوشته ای از قبیل سفته، چک، برات، اوراق سهام، اوراق قرضه، اعتبارات اسنادی، ضمانت نامه بانکی، سیاهه تجاری، انواع بارنامه و امثال اینها که در امر تجارت کاربرد داشته باشد میتواند سند تجاری قلمداد گردد؛ ولی اسنادی که در این مقاله موضوع بحث ما است، فقط شامل اسناد تجاری به مفهوم خاص یعنی چک، سفته و برات می باشد.

در این مقاله مهمترین اصول حاکم بر اسناد تجاری، شامل اصل عدم توجه ایرادات، اصل استقلال امضاءها، اصل استقلال تعهد، اصل اشتغال ذمه و اصل مدیونیت و حدود اجرای این اصول، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- اصل عدم استماع ایرادات:

یکی از اوصاف سند تجاری، وصف تجریدی است. به موجب این وصف، امضای سند تجاری موجب تعهدی مستقل از منشاء صدور خود می شود. به عبارت دیگر، سند تجاری مستقلاً و به اتکای خود متضمن حقوق و تعهدات برای طرفین است. از اوصاف دیگر سند تجاری، قابلیت انتقال آن است. به این معنا که سند تجاری به صرف امضاء در ظهر آن، به دیگری منتقل می شود.

انتقال گیرنده سند تجاری تکلیفی ندارد که به روابط خصوصی ایادی قبلی، یا به منشاء صدور یا ظهر نویسی سند تجاری توجه کند و نباید نگران ایرادات احتمالی صادرکننده سند و ایادی قبل از خود باشد. به همین دلایل گفته می شود، ایراداتی که مربوط به منشاء صدور یا ظهر نویسی است، پذیرفته نیست. امضاء کنندگان سند (اعم از صادرکننده و ظهرنویس و ضامن) نمی توانند در مقابل دعوای دارنده سند به ایراداتی از قبیل فسخ معامله یا بطلان آن، تهاتر، تخلف از شرط و

وصف، تقلب، نامشروع بودن جهت و امثال آن متوسل شوند. این بدین معنا است که اساساً به این ایرادات توجه نمی‌شود و دادگاه خود را فارغ از ورود به این مباحث می‌داند، هر چند که دلیل اثباتی ایرادات قوی و غیر قابل انکار باشد. اصل عدم استماع ایرادات، مقتضای وصف تجربیدی و وصف قابلیت انتقال است.

در ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو (راجع به برات) اصل عدم استماع ایرادات به این شرح مورد تاکید قرار گرفته است: «اشخاصی که بر علیه آنان به استناد برات اقامه دعوی می‌شود نمی‌توانند بر علیه دارنده برات، به ایراداتی که مربوط به روابط شخصی آنان با یکدیگر است، استناد کنند». در ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چک نیز آمده است: «امضاء کنندگان چک که علیه آنها طرح دعوی شده است نمیتوانند در مقابل دارنده چک به روابط خصوصی خود با صادرکننده یا با دارندگان قبلی سند استناد کنند، مگر آنکه دارنده هنگام دریافت چک عالماً به زیان بدهکار عمل کرده باشد».

در قانون تجارت ایران ماده صریحی در باره عدم استماع ایرادات وضع نشده است. ولی نظرات حقوقی و رویه دادگاهها تا حدودی این نقیصه را جبران کرده است. همچنین در طرح پیش نویس اصلاح قانون تجارت تا حدودی به این موضوع توجه شده است [1].

شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور در پرونده شماره ۷۵۳۰/۹ به موجب رای شماره ۲۵/۷۸۸ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ در جریان رسیدگی به دادنامه‌ی صادره از دادگاه بدوی که بدون توجه به اصل عدم توجه ایرادات صادر شده بود، چنین استدلال می‌کند: «نظر به اینکه تجدیدنظر خوانده

[1] - رجوع کنید به مواد ۱۴۰ ، ۱۸۶ ، ۱۹۹ ، ۲۱۲ ، ۲۶۵ ، ۲۷۶ ، ۲۸۶ ، ۳۴۳ ، ۳۵۲ و ۳۸۶ پیش نویس

صدور و تسلیم چک موضوع دعوی را به آقای ((ج)) قبول دارد و نظر به اینکه انتقال چک وسیله شخص اخیر نیز مورد ایراد واقع نشده و مفاد چک نیز دلالت بر تضمینی بودن آن ندارد و نظر به اینکه دارنده چک که به طریق صحیح به وی واگذار گردیده قانوناً "حق مطالبه وجه آن را از صادرکننده دارا می باشد و چگونگی رابطه دارنده اولی با صادرکننده چک موثر در رابطه انتقال گیرنده با صادرکننده نمی باشد" علی هذا دادنامه موصوف که بدون رعایت مراتب صادر گردیده است نقص می شود و رسیدگی به دادگاه حقوقی یک شهرستان ۰۰۰ محول می گردد» [2]۲

نمونه دیگر از رویه دادگاهها در خصوص اصل عدم استماع ایرادات مربوط به رای شماره ۳۸۸ و ۳۸۹ مورخ ۷۲/۸/۱۰ شعبه ۲۸ دادگاه حقوقی یک تهران می باشد که در این رای آمده است: «در خصوص دعوی اصلی نظر به اینکه مستند دعوی خواهان یک فقره چک به شماره ۶۸۳۵۸۲-۷۰/۲/۲ به مبلغ ریال منتسب به خواننده بوده که اصالت آن با توجه به اقرار مشارالیه در ضمن مدافعاتش محرز بوده و از طرف نامبرده و به حواله کرد مجلوب ثالث صادر و پس از ظهرنویسی از طرف شخص مذکور به خواهان دعوی اصلی انتقال یافته است و چون خواهان دعوی اصلی دارنده اولیه چک مذکور نبوده بلکه این چک از طریق ظهرنویسی به وی واگذار شده لذا به لحاظ عدم وجود رابطه پایه ای یا معاملاتی بین وی و صادرکننده چک بین خواننده دعوی اصلی و وجود رابطه برواتی بین آنان ایرادات و اعتراضات صادرکننده چک (خواننده دعوی اصلی) گرچه در مقابل دارنده اولیه آن قابلیت طرح و عنوان و توجه را داشته ولی در مقابل خواهان دعوی اصلی با توجه به مجموع مقررات اسناد تجاری قانون تجارت قابل استناد

[2]۲ - کتاب آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی ۳ - یداله بازگیر ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، سال ۱۳۷۷

نبوده و در نتیجه مراتب ادعایی خواننده و مدافعات وی در زمینه چگونگی صدور چک مستند دعوی و معامله‌ای که چک مذکور در ارتباط با آن صادر گردیده و عدم استحقاق دارنده اولیه در انتقال چک مورد بحث به خواهان در دعوی خواهان اصلی موثر در مقام نبوده و قابلیت توجه و ترتیب اثر را نداشته و رافع مسئولیت وی در قبال خواهان دعوی اصلی نمی‌باشد و چون وجه چک مستند دعوی از طرف خواهان از بانک محال علیه مطالبه شده و به لحاظ عدم موجودی کافی منتهی به صدور گواهینامه عدم پرداخت گردیده است لذا به لحاظ وجود اصل چک در ید خواهان استحقاق مشارالیه در مطالبه وجه چک و اشتغال ذمه خواننده ثابت و مدلل است و از آنجاییکه از ناحیه خواننده دعوی اصلی در قبال دعوی خواهان مدافعات موثر و موجهی بعمل

نیامده است، بنابراین دادگاه دعوی خواهان اصلی را وارد و موجه تشخیص و به استناد ماده ۳۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ ریال بابت خسارت دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید»^۳[3]

استثنائات اصل عدم توجه ایرادات:

اصل عدم استماع ایرادات مجوزی برای استفاده بلا جهت و دارا شدن بلا سبب نیست. در هیچیک از نظامهای حقوقی اکل مال به باطل معتبر شناخته نمی‌شود. انتقال مال از شخصی به شخص دیگر فقط از مجرای معامله‌ای مبتنی بر رضایت طرفین (الا ان تکون تجاره عن تراض [4]۴) امکان پذیر است. به همین جهت بر اصل عدم استماع ایرادات، استثنائاتی وارد شده است.

[3]۳ - گزیده آراء دادگاههای حقوقی ، نشر میزان ، تابستان ۱۳۷۴ ، صفحه ۵۳ تا ۵۴

[4]۴ - خداوند متعال در قرآن کریم در آیه شریفه ۲۹ از سوره نساء می‌فرماید (یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض) و در آیه شریفه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید (و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتاكلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون)

این استثنائات بدون اینکه بر وصف تجریدی اسناد تجاری لطمه‌ای وارد سازد، فقط حد اجرای اصل را قدری محدود می‌کند. مهمترین استثنائات از این قرار است:

الف - ایرادات بین ایادی بلا فصل: در صورتی که در روابط بین صادر کننده یا ظهر

نویس سند تجاری و شخص بلا فصل او دعوا مطرح باشد، اگر چه اصل بر بدهکاری امضا کننده

سند تجاری است، لیکن ایراداتی که خواننده مطرح می‌کند باید مورد رسیدگی قرار گیرد. استاد

بهرامی در مقاله وصف تجریدی اسناد تجاری در این زمینه می‌نویسد: «... اصل مزبور (عدم توجه

ایرادات) اطلاق خود را در روابط شخصی میان طرفین بلا فصل از دست می‌دهد. لذا اگر متعهد

ایراد نماید که تعهد یا رابطه حقوقی سابق که منشاء و علت صدور سند تجاری متنازع فیه شده به

جهتی از جهات قانونی ساقط و یا منحل و یا باطل گردیده و یا اینکه پس از صدور سند موصوف

به واسطه وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت مافی‌الذمه، فسخ، انفساخ،

منفسخ، و.... از بین رفته و یا اینکه این سند به موجب نوشته دیگر در نزد وی به صورت امانت

بوده است و ایراداتی از این قبیل در این حالت ایراد خواننده علی‌رغم اصل عدم توجه ایرادات،

استماع می‌شود [5].» همانطور که در رای شماره ۳۸۸ و ۳۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ شعبه ۲۸

دادگاه حقوقی تهران ملاحظه شد، در این رای ضمن عدم پذیرش ایرادات بین صادر کننده چک

و ظهر نویس در قبال دارنده چک، به این نکته نیز تصریح شده است که ایرادات در رابطه بین

طرفین بلا فصل قابل رسیدگی است.

[5] - بهرام بهرامی، وصف تجریدی در اسناد تجاری، انتشارات روزنامه رسمی کشور، چاپ ۱۳۷۸، ص ۲۵-۲۶

ب - ایرادات علیه دارنده با سوء نیت: چه بسا دارنده بلا فصل سند تجاری برای محروم کردن صادر کننده از طرح ایرادات، بطور صوری یا با تبانی سند را به دیگری واگذار کند. اصل عدم استماع ایرادات فقط برای حمایت از دارنده با حسن نیت است. در حالی که حمایت از دارنده با سوء نیت بر خلاف عدل و انصاف قضایی و موازین حقوقی است.

دارنده سند تجاری، وقتی با سوء نیت تلقی می شود که:

۱. از ایرادات سند تجاری اطلاع داشته باشد. به عبارت دیگر با علم و آگاهی به

عدم مدیونیت مدعی ایراد، سند را تحصیل کرده باشد. به موجب رای مورخ

۱۳۲۸/۱/۲۰ شعبه چهارم دیوان عالی کشور «استدلال دادگاه بر بی حقی دارنده

سفته مبنی بر این که سفته مزبور متضمن تعهد ظهرنویس به انتقال خانه خود به

صادر کننده بوده و تعهد مزبور اجراء نشده، در برابر دارنده سفته که اطلاعش از

جریان امر ثابت نگردیده، صحیح نمیباشد» منظور این است که اگر دارنده از

سابقه و عدم تعهد صادر کننده اطلاع می داشت، ایراد مدعی قابل رسیدگی بود.

۲. سند را با تبانی یا سوء نیت تحصیل کرده باشد. یعنی ثابت شود که تحصیل سند

محصول فریب و اعمال نفوذ ناروا و دیگر روشهای نامشروع بوده است.

۳. بدون عوض معینی سند را اخذ کرده باشد. فقدان عوض معتبر، اماره بر سوء نیت

و از روشهای تحصیل مال بلا جهت به شمار می آید.

البته ناگفته نماند که دارنده سند تکلیفی به اثبات عدم سوء نیت خود ندارد. بلکه وظیفه مدعی علیه است که سوء نیت دارنده سند یا علم و اطلاع او به عدم مدیونیت خود یا بلاعوض بودن تحصیل سند را به دادگاه ثابت نماید.

ج - ایرادات شکلی نسبت به سند: وصف تجریدی از اوصاف ویژه اسناد تجاری است. سند تجاری نیز فقط به اسنادی اطلاق می شود که با داشتن شرایط شکلی خاص به این عنوان شناخته شده باشد. فقدان شرایط شکلی در مواردی موجب خروج سند از مقررات خاص اسناد تجاری می شود. بنابراین ایراد شکلی نسبت به سند نه تنها قابل استماع است؛ بلکه در صورت اثبات ایراد، موجب خروج سند از زمره اسناد تجاری می شود.

د - ایرادات مربوط به امضاء: بدیهی است که اساس تعهد اشخاص اراده و رضایت آنها به ایجاد تعهد است که با امضای اسناد تسجیل می شود. اگر کسی نسبت به امضای خود ایراد کند، دادگاه مکلف به رسیدگی می باشد. ایراد نسبت به امضاء ممکن است مبتنی بر ادعای جعل یا اجبار و اکراه باشد که در هر حال بر علیه هر دارنده ای قابل استماع و رسیدگی است. زیرا نه تنها امضای مجعول هیچ مسئولیتی را متوجه شخص نمی کند، بلکه اینگونه ایرادات مربوط به نظم عمومی و لزوم رسیدگی به آن مقتضای قواعد آمره است. نکته ای که در اینجا ذکر آن ضروری به نظر می رسد این است که بنابر اصل استقلال امضاءها که در همین مقاله در مورد آن بحث خواهد شد،

اثبات جعلی بودن امضای یکی از متعهدین سند، تاثیری در تعهدات سایر امضاء کنندگان ندارد [6].

ه - ایراد عدم اهلیت: اگر ایراد کننده شخص صادر کننده چک باشد، معمولاً ایراد عدم

اهلیت موضوعیت نخواهد داشت. زیرا بانکها دسته چک در اختیار اشخاص فاقد اهلیت قرار نمی دهند. اما در مورد ظهر نویس، ضامن، صادر کننده سفته یا قبول کننده برات این احتمال وجود دارد که اینها در زمان امضای سند فاقد اهلیت قانونی باشند. بدیهی است که ایراد فقدان اهلیت، در برابر هر دارنده ای قابل استماع است. متعهدی که اهلیت لازم برای معامله برواتی نداشته است، اساساً متعهد شناخته نمی شود. بنابراین، خوانده می تواند در مقابل دارنده سند تجاری به عدم اهلیت خود استناد کند. زیرا حمایت از حقوق محجورین که مبتنی بر نظم عمومی است، مقتضی چنین برخوردی است.

و - ایراد تحصیل مجرمانه سند: ارتکاب اعمال مجرمانه از قبیل کلاهبرداری و خیانت در

امانت و سرقت و امثال آن و تحصیل سند به روشهای مزبور هرگز منشاء اعتبار و ارزش حقوقی نیست. اما به این سؤال که آیا ایراد تحصیل مجرمانه سند در رابطه با دارنده با حسن نیتی که از

منشاء صدور سند و روابط ایادی قبلی اطلاعی ندارد، قابل استماع است یا خیر؟، پاسخ یکسانی

داده نشده است. عده ای معتقدند « ایراد مدعی حتی بر علیه دارنده با حسن نیتی که از مجرمانه

بودن نحوه تحصیل سند بی اطلاع است نیز مسموع خواهد بود چرا که ادعای او نتیجه حمایت

اصولی جامعه بوده و استماع چنین ایرادی را تجویز مینماید. بدون شک مصالح عمومی جامعه بر

[6] - رجوع کنید: کتاب موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور به اهتمام یداله بازگیر، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، چاپ احمدی، رای شماره ۲۱/۸۶۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۵ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

مصلحت فردی اشخاص غلبه دارد و به همین لحاظ اصل حمایت از دارنده سند تجاری کاربرد خود را در این مقام از دست میدهد» [7]۷. شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب رای شماره ۳۵۴۱ - ۱۳۸۱/۹/۱۹ در موردی چکی که از طریق خیانت در امانت تحصیل شده و به شخص ثالث منتقل گردیده است، با این استدلال که تحصیل چک از طریق مجرمانه در ید هر کس که باشد فاقد ارزش و اعتبار قانونی است، حکم به استرداد چک به نفع صادر کننده صادر نموده است. در بخشی از این رای آمده است: «در خصوص تجدیدنظر خواهی احمد ... به طرفیت ابراهیم ... نسبت به دادنامه شماره ۸۰۸ و ۸۰۹ صادره از شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران در خصوص ادله چک مورد امانت به شماره به مبلغ ریال با توجه به محکومیت کیفری تجدیدنظر خوانده بشرح مفاد مندرج در دادنامه مزبور و اینکه چک مزبور در ید هر کس یافت گردد، به لحاظ اینکه از طریق مجرمانه تحصیل گردیده و در اختیار غیر گذاشته شده است فاقد ارزش و اعتبار است و ذینفع میتواند جهت مطالبه خسارت به تجدیدنظر خوانده مراجعه نماید، لذا تجدیدنظر خواهی نامبرده را وارد و موجه تشخیص و مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی ضمن نقض قسمت اخیر دادنامه شماره ... صادره از شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران در خصوص رد دعوی تجدیدنظر خواه مذکور در مورد استرداد چک مورد ادعا توسط تجدیدنظر خوانده، حکم به استرداد چک فوق الذکر به تجدید نظر خواه صادر و اعلام میگردد» [8]۸.

[7]۷ - بایک مسعودی ، اصول حاکم بر اسناد تجارتي، مجله کانون وکلای دادگستري مرکز ، دوره جدید - شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۷۱) ، ص. ۶

[8]۸ - دادنامه شماره ۳۵۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۹ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده شماره ۳۵۴۰/۲۱/۸۱

عده‌ای دیگر با این استدلال که در اسناد تجاری اختلافات صادر کننده چک و دارنده اول ارتباطی به دارنده با حسن نیت پیدا نمی کند، تحصیل مجرمانه توسط شخص اول را نسبت به دارنده با حسن نیت مؤثر ندانسته‌اند. شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران به موجب رای شماره ۸۰۸ و ۸۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ در خصوص شکایت الف علیه ب مبنی بر خیانت در امانت نسبت به یک فقره چک و دادخواست استرداد چک در همان پرونده کیفری، علیرغم احراز خیانت در امانت و محکومیت کیفری متهم، در مورد استرداد لاشه چک به این استدلال « از آنجا که چک به مانند دیگر اسناد تجاری در ید دارنده با حسن نیت ، اختلافات صادر کننده چک و دارنده اول ارتباطی به او پیدا نمی کند و چون در پرونده دلیلی بر سوء نیت دارندگان بعدی اقامه نشده است لذا دارنده فعلی چک بعنوان دارنده با حسن نیت بوده و استرداد چک از وی فاقد و جاهت قانونی بنظر میرسد» حکم به رد دعوا صادر نموده است [9].

استدلال گروه اول کافی نیست و تا حدی اغراق آمیز و بر خلاف وصف تجریدی است. نظر گروه دوم را هم نمی توان در همه موارد جاری کرد. زیرا مسئول دانستن شخصی که اراده‌ای در انتقال سند و به گردش در آمدن آن نداشته است، بر خلاف نظم عمومی است. لذا به نظر می رسد باید بین حالتی که صادر کننده با اختیار و اراده سند تجاری را صادر و در اختیار گیرنده اولی قرار می دهد، با حالتی که بدون اختیار و اراده سند از ید او خارج می شود و به گردش در می آید، تفاوت قائل شد. در حالت اول مثل مواردی از قبیل ادعای خیانت در امانت یا کلاهبرداری، ایراد تحصیل مجرمانه سند فقط در رابطه بین مدعی و شخص بلا فصل او باید شنیده

[9] - دادنامه شماره ۸۰۸ و ۸۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ شعبه ۲۱۶ دادگاه عمومی تهران در پرونده شماره ۵۷۹/۸۰ و ۸۱/۴۹۲

شود و نسبت به دارنده با حسن نیت اصل عدم استماع ایرادات جاری گردد. ولی در حالت دوم مثل مواردی از قبیل سرقت یا مفقودی سند، تصرف سند و گردش آن که بر خلاف اراده صادرکننده صورت گرفته، حتی نسبت به دارنده‌ای که از ماهیت و منشاء چنین سندی اطلاعی نداشته است، نباید متضمن ارزش و اثر حقوقی باشد. به این ترتیب برخلاف ایراد جعل امضاء که اعتبار سند در قبال شخصی که امضایش جعل شده کلاً از بین می‌رود، ولی در ایراد تحصیل مجرمانه بهتر آن است که بین موردی که اراده شخص در به گردش درآمدن سند دخالت داشته است، با موردی که بدون اراده او سند به دست دیگران رسیده است، تفاوت قائل شویم.

۲ - اصل استقلال امضاءها: دومین اصلی که بر اسناد تجاری حکومت دارد، اصل

استقلال امضاءها است. به موجب این اصل، هر امضاء بر روی سند به هر عنوان (اعم از صادر کننده یا ظهنویس یا ضامن) مستقل از دیگر امضاءها اعتبار دارد. بنابراین، اگر نسبت به امضای ظهنویس ایرادی (مثلاً ادعای جعل) مطرح گردد، صادرکننده نمی‌تواند از پرداخت وجه سند به دارنده با حسن نیت خودداری کند. زیرا صادرکننده به اعتبار امضای خود در قبال دارنده سند تجاری مسئولیت دارد. شعبه اول دادگاه حقوقی یک همدان در پرونده شماره ۴۹۳۹/۶۸، ادعای جعلی بودن امضای ظهنویس را بر فرض صحت ادعا موجب سقوط مسئولیت صادرکننده چک ندانسته و به این اعتبار دعوای خواهان را مردود اعلام کرده است. این رای که مورد تأیید شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور قرار گرفته است، به خوبی بیانگر اصل استقلال امضاءها است [۱۰]. بنابراین اگر برخی از امضاءها به دلایلی از قبیل نداشتن اهلیت، تقلبی یا جعلی بودن امضاء فاقد اعتبار

[10] - رجوع کنید: موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور، به اهتمام یداله بازیگر، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۷۸، رای شماره ۲۱/۸۶۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۵ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

شناخته شود؛ یا به واسطه هر ایرادی دیگری موجب عدم تعهد یکی از امضاء کنندگان سند گردد، تعهد سایر امضاء کنندگان به قوت خود باقی است.

در ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چک

آمده است: « در صورتی که چک به امضای اشخاصی باشد که فاقد اهلیت جهت پذیرش تعهد از طریق چک هستند، یا چک متضمن امضاهای مجعول یا امضای اشخاص موهوم و یا امضاهایی باشد که بنا به دلایل دیگری نتوان امضاکننده یا کسانی را که به نمایندگی از طرف آنان چک امضاء شده است متعهد نمود، مسئولیت سایر اشخاص امضاکننده چک به قوت خود باقی است »
ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو (راجع به برات) نیز مقررات مشابهی دارد. اما در قانون تجارت ایران حکم صریحی در این باب مقرر نشده است.

۳ - اصل استقلال تعهد: امضاء کننده سند تجاری، به صرف صدور یا ظهنویسی،

پرداخت وجه آن را تعهد می نماید. این تعهد ناشی از امضای سند تجاری است که مستقل از دیگر اسباب بدهی می باشد. نفس صدور و امضای سند تجاری منشاء بدهی است. بنابراین براءت ذمه مدیون فقط از طریق پرداخت وجه سند حاصل می شود. نتیجه عملی اصل استقلال تعهد سند تجاری این است که نه تنها ادعای پرداخت وجه سند به ایادی قبلی دارنده سند پذیرفته نیست؛ بلکه اگر خواننده مدعی شود که وجه چک را به شخص خواهان پرداخته ام و رسیدی هم از خواهان ارائه نماید، ولی خواهان مدعی شود که وجه مربوط به دین دیگری بوده و چک بابت بدهی جداگانه ای صادر شده است، در این صورت بار اثبات دلیل پرداخت وجه چک بر عهده متعهد سند تجاری است. زیرا اصل بر این است که بدهی ناشی از چک، بدهی مستقلی است و تا

زمانیکه لاشه چک نزد خواهان باشد، اصل بر بقای تعهد خوانده است. همچنین اگر صادر کننده ثابت کند که وجه چک را به شخص بلا فصل خود پرداخت نموده است یا با طلب دیگری که از او داشته تهاتر شده است و برای اثبات ادعای خود دلیل هم داشته باشد، موجب برائت ذمه وی در قبال دارنده سند تجاری نمی شود. زیرا، با انتقال سند تجاری به شخص ثالث ذمه صادر کننده سند در مقابل دارنده مشغول می شود و پرداخت وجه سند به شخص بلا فصل (یا ایادی قبل از دارنده سند) به منزله پرداخت به غیر دائن محسوب است که موجب برائت ذمه نمی شود.

نظریه دادگاه حقوقی یک تهران منعکس در رای شماره ۲۴/۳۱۱ مورخ ۱۳۶۹/۶/۸ شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور، صرف نظر از استناد آن به ماده ۲۵۶ قانون مدنی ۱۱ [11]، از حیث اینکه اصل استقلال تعهد ناشی از چک را پذیرفته است قابل توجه می باشد. مفاد نظریه مزبور به این شرح است: «در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۱۶ آقای (م) دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ چهار میلیون ریال وجه دو فقره چک شماره ۱۸۰۴۸۱/۱۰۱۸۰۴۸۱ و شماره ۱۳۷/۱۵۲۰۰/۶۵/۲ اولی عهده بانک تجارت و دومی عهده بانک صادرات علیه آقای (ب) به دادگاه حقوقی یک تهران تقدیم می دارد در جلسه مورخه ۶۶/۹/۲۵ خواهان اظهار میدارد که ما کاری گرفته بودیم که سفت کاری ساختمان برای آقای (ب) انجام بدهم متاسفانه اصل قرارداد گم کرده ام و در دسترس ندارم موضوع قرارداد سفت کاری بود از قرار متری دو هزار تومان ولی در قرارداد متری هزار تومان نوشته شده بود و شفاها "قرار گذاشتیم متری دو هزار تومان چک سیصد هزار تومانی مربوط به همین قرارداد است اما چک صد هزار تومانی بابت پول نقدی که به او دادم در منزلم و از او چک گرفتم" کار به

[11] رجوع کنید به توضیحات پاورقی شماره ۱۵.

مرحله نازک کاری رسید ضمناً " قرار شد بابت دیوار کشی صد هزار تومان بدهد که در قرارداد قید نشده است چک سیصد هزار تومانی را بابت خرید مصالح ساختمان نازک کاری به من داده هر چه اصرار کردم حاضر به تصفیه حساب نشده و بابت این قرارداد فقط یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به من داده شده است در صورتیکه می بایستی دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان میداد البته این چک سیصد هزار تومانی از بدهی ایشان است. اگر وجه نقدی به من داده باشند و سند نشان بدهند قبول دارم در جریان رسیدگی آقای (ف) به وکالت از خواننده وارد دعوی می شود و چنین دفاع می کند که چکهای مستند دعوی بابت قرارداد مورخه ۶۲/۱۱/۶ و در ید خواهان امانت بوده موکل طی چکهای ۱۸۰۴۶۵ ۶۴/۸/۱ به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال شماره ۶۳/۱۰/۲۹۱۸۰۴۴۱ و ۱۸۰۴۵۶ ۶۳/۱۱/۱۰ هر کدام به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال و حواله های نقدی از بانک صادرات گیرنده به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری خواهان پرداخت کرده ضمناً ده قطعه چک از شماره ۲۰۰۱۲۶ تا ۲۰۰۱۳۵ بانک صادرات ۲۰۹۹ جمعا" به مبلغ ۷۶۰/۰۰۰ ریال که ارقام یاد شده شامل کل مبلغ قرارداد موصوف بوده و علاوه بر آن رسید مبالغی بابت پرداختهای بعدی نیز در ید موکل می باشد فتوکپی قرارداد مورخ ۶۲/۱۱/۶ نیز تسلیم میشود خواهان اظهار میدارد قراردادی که آقای وکیل خواننده به دادگاه تسلیم نموده مورد قبول اینجانب می باشد و وجوه پرداختی توسط ایشان بر طبق حواله ها و چکهایی که نقل کرده اند نیز مورد قبول می باشد. النهایه حرف من این است که علاوه بر این قرارداد که فقط مربوط به اسکلت سازی است کارهای دیگر هم (کلیه کارهای ساختمانی به استثنای لوله کشی آب و شوفاژ) برای خواننده انجام داده ام از قبیل سفت کاری ، نازک کاری و غیره. (من جمله خرید کلیه مصالح بنایی) و حتی خواننده به

خط خودش سفت کاری را متری دو هزار تومان حساب کرده است دادگاه قرار تحقیق و معاینه محلی صادر مینماید که به مرحله اجرا در می آید و سرانجام پس از کسب نظریه مشاور به این استدلال که بموجب مقررات مذکور در ماده ۲۶۵ قانون مدنی صدور چکها از ناحیه خواننده و تسلیم آن به خواهان دلالت بر اشتغال ذمه وی دارد مضافاً اینکه ادعای وکیل او مبنی بر اینکه چکهای مستند دعوی در رابطه با قرارداد مورخ ۶۲/۱۱/۶ صادر گردیده و امانی است نیز فاقد دلیل می باشد و بر فرض که خواهان چکهای مستند دعوی را در رابطه با قرارداد مزبور از خواننده دریافت کرده باشد زمانی قابل استرداد می باشند که خواننده بدهی های مربوط به قرارداد موصوف را به خواهان پرداخت و با او تسویه حساب کرده باشد که نه تنها چنین تسویه حسابی ارائه نگردیده بلکه مدافعات وکیل او هم با توجه به کمیت و کیفیت کارهای انجام شده توسط خواهان بشرح منعکس در صورت مجالس معاینه و تحقیق محلی موجه نبوده و به هیچ وجه حاکی از برائت ذمه خواننده نمی باشد بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ... ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان نظریه صادر مینماید» [۱۲] [12]

۴ - اصل اشتغال ذمه: وجود سند در ید مدعی، دلیل اشتغال ذمه امضاء کننده سند

است. آراء متعددی از محاکم صادر شده است که بر این اصل تاکید نموده اند.

رای دادگاه بدوی منعکس در دادنامه شماره ۱۸/۳۱۸/۷۳ مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۹ شعبه ۱۸ دیوانعالی کشور متضمن این معنا است که اصل بر اشتغال ذمه است و ادعای خواننده مبنی بر پرداخت وجه چک به ید قبلی دارنده آن بر فرض صحت پرداخت دین از ناحیه مدیون به غیر

[12] ۱۲ - رجوع کنید: کتاب سقوط تعهدات - ضمان قهری - به اهتمام یداله بازگیر، انتشارات فردوسی - چاپ اول ۱۳۷۹ - چاپ دریا، شماره دادنامه ۲۴/۳۱۱ شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور

داین است که چنین ادعایی قانوناً قابل اعتنا نمی باشد. در بخشی از رای مزبور آمده است: « آقای (الف) دادخواستی به خواسته صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ریال به انضمام هزینه دادرسی به طرفیت آقای (ش) تقدیم دادگاه حقوقی آمل نموده و بشرح مذکور در دادخواست توضیح داده است خواننده به موجب سه نفر چکهای شماره جمعا" مبلغ ریال به وی بدهکار و به استناد فتوکی چکها و برگشتی های بانک رسیدگی و صدور حکم را خواستار گردیده خواننده لایحه تقدیم داشته ... و در آن اعلام داشته وجه یک فقره چک را پرداخت و رسید دارم ... و خواهان نیز لایحه تقدیم داشته ... و در آن اعلام داشته رسید مربوط به شخص دیگری و وی پول بابت چک نگرفته است... نظر به اینکه فتوکی مصدق چکهای اسنادی و گواهی های عدم پرداخت وجه آن که صحت صدور و اصالت آن مصون از ایراد خواننده می باشد دلالت بر اشتغال ذمه نامبرده به میزان خواسته در قبال خواهان دارد و دفاع خواننده بشرح لایحه ابرازی مبنی بر اینکه ... وجه چک شماره ... بموجب رسید مورخ ... پرداخت شده است لذا موردی برای طرح دعوی نیست بنظر دادگاه موجه نمی باشد زیرا ... فتوکی مصدق رسید مورخ ... ابرازی خواننده ظاهراً " حکایت بر دریافت مبلغ یک میلیون ریال توسط شخصی به نام ... از خواننده دعوی بابت چک آقای (الف) دارد که این ادعای خواننده بر فرض صحت پرداخت از ناحیه مدیون بغیر داین است که با توجه به انکار خواهان از دریافت وجه مذکور طبق ماده ۲۷۱ قانون مدنی چنین ادعایی قانوناً قابل اعتنا نمی باشد و در آنجا که خواننده دلیل دیگری بر پرداخت وجوه مورد مطالبه و براءت ذمه خود ابراز و ارائه ننموده است بنابراین دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت تشخیص و مستنداً" به ماده ۳۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی خواننده را به پرداخت

مبلغ ... ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ... ریال بابت هزینه دادرسی و دفتر بنفع خواهان محکوم می

نماید» ۱۳ [13]

رای اصراری شماره ۵۴۸-۳۸/۲/۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز مبنی اصل اشتغال

ذمه است. در این رای آمده است: «رای دادگاه استان به اینکه (مادتین ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون آئین

دادرسی مدنی ناظر به موردی است که یکی از طرفین برای اثبات امر وجودی از قبیل پرداخت

استناد به دفاتر تجاری خود نماید و چون پژوهشخواه منکر مدیونیت خود می باشد و انکار نیازی به

دلیل ندارد و وجود سفته های مدرکيه با توجه به محرز شدن صدور آنها از ناحیه پژوهشخواه دلیل

مدیون بودن او است و بر فرض موضوع سفته های مذکور هم ثبت نشده باشد این عدم ثبت دلیل

بر بی اعتباری سفته و عدم اشتغال ذمه پژوهشخواه نیست؛ صحیح است» ۱۴ [14].

مقتضای اوصاف و اصولی که برای اسناد تجاری ذکر می شود، این است که اصل بر

اشتغال ذمه باشد. به موجب این اصل، حتی در مواردی که ایرادات و دفاعیات خوانده قابل استماع

و در نتیجه دعوا موثر باشد، تا زمانی که وی ادعای خود را ثابت نکرده باشد، حکم به اشتغال ذمه

او داده خواهد شد. بنابراین، در دعوی راجع به اسناد تجاری، خواهان جز ارائه لاشه سند، تکلیفی

به ارائه دلیل دیگر ندارد. بلکه وظیفه خوانده است که اگر مدعی برائت ذمه خود می باشد، برای

اثبات ادعای خود دلیل اقامه نماید.

[13] ۱۳ - رجوع کنید: همانجا، رای شماره ۱۸/۳۱۸ مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۹ شعبه ۱۸

دیوان عالی کشور

[14] ۱۴ - رجوع کنید: مجموعه رویه قضائی، تالیف احمد متین دفتری، فروردین ماه

سال ۱۳۴۰ چاپ آفتاب. حکم شماره ۳۸/۲/۴-۵۴۸

۵ - اصل مدیونیت: در حقوق مدنی پرداخت مال، دلیل بدهکاری نیست. زیرا

پرداخت مال ممکن است تحت عناوینی از قبیل قرض، عاریه، امانت و غیره باشد. در ماده ۲۶۵

قانون مدنی آمده است: «هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی

چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می تواند استرداد کند». به موجب این

ماده صرف پرداخت ظهور در مدیونیت ندارد. بنابراین اگر کسی همینکه ثابت کند مالی به دیگری

داده است، حق دارد استرداد آن را بخواهد. ماده ۳۰۲ قانون مدنی مقرر می دارد «اگر کسی که

اشتباه خود را مدیون می دانست آن دین را تادیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ

کرده است استرداد نماید». اگر دریافت کننده مدعی شود که پرداخت بابت طلبی بوده که از

پرداخت کننده داشته، باید ادعای خود را ثابت کند. در اینجا پرداخت کننده تکلیفی بر اثبات عدم

بدهی خود ندارد؛ زیرا به موجب ماده ۲۶۵ قانون مدنی، دادن مال افاده مدیونیت

نمی کند [۱۵].

اما در اسناد تجاری اصل بر مدیونیت امضاء کننده سند است. بنابراین، اگر کسی سند

تجاری به دیگری بدهد، اصل بر این است که مدیون آن شخص بوده است [۱۶]. نتیجه

عملی این اصل آن است که اولاً، اگر دارنده سند، وجه آن را مطالبه کند، صادر کننده نمی تواند

به صرف ادعای اینکه مدیون نبوده است، از پرداخت وجه سند امتناع نماید. ثانیاً، اگر شخصی به

موجب چک مبلغی به دیگری پرداخت کرده باشد، تا وقتی که عنوان قرض یا هر عنوان دیگری را

[15] ۱۵ - البته عده ای تفسیر دیگری از ماده ۲۶۵ ارائه داده اند. به اعتقاد این گروه، صدر ماده ۲۶۵ به معنای این است که پرداخت ظهور در وجود دین دارد. اما این برداشت بر خلاف اصل (برائت) و ناسازگار با قسمت دوم ماده می باشد. رجوع کنید به کتاب وقایع حقوقی، اثر دکتر ناصر کاتوزیان، صفحات ۲۱۷ و ۲۱۸

[16] ۱۶ - بهرام بهرامی، وصف جایگزینی و تبعی در اسناد تجاری، انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، بهار ۱۳۸۳، ص. ۱۳

که مفید حق استرداد او باشد، ثابت نکرده باشد، نمی تواند به استناد مواد ۲۶۵ و ۳۰۲ قانون مدنی استرداد آن را بخواهد.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می رسد، این است که اگر صادر کننده

سند (مثل چک) با ارائه دلیل از جمله مندرجات متن چک یا هر نوشته یا دلیل دیگری ثابت کند

که صدور سند بابت دین نبوده و بلکه حق استرداد داشته است، در این صورت فقط از شخصی که

سند را به او تسلیم کرده است حق استرداد دارد. به عبارت دیگر ادعای حق استرداد در مقابل

انتقال گیرندگان بعدی سند قابل استماع نیست.